

منبع مطالعه‌ی تاریخ معاصر

سلام دوستان عزیز؛ متنی که می‌خوانید شرحی کلی از وقایع ایران از قدرت گرفتن سلسله‌ی قاجار تا زوال آن در پایان قرن سیزدهم است. با اینکه متن بر اساس دوره‌ی سلطنت شاهان تقسیم‌بندی شده اما تلاش بر این بوده تا علاوه بر سیر وقایع در تاریخ سیاسی ایران، بازمینه‌های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی این دوران نیز آشنا شوید. بخش قابل توجهی از متن با کتاب شما هم‌پوشانی دارد و این جزوه به این نیت آماده شده که در فرصت کمی که برای امتحان در اختیار دارید، یک متن یکدست و روان با حجمی کمتر از کتاب را مطالعه کنید. پس لطفاً با دقت بخوانید و مطلبی را جا نیندازید.

ایران در آستانه‌ی قدرت گرفتن آقامحمدخان قاجار

قبایل و ایلات که در مجموع بیش از ۳۰-۲۵ درصد از جمعیت را تشکیل می‌دادند، شامل ۱۵ ایل عمده بود. زندگی ایل‌ها و عشایر به دام وابسته بود و لازم بود همواره برای یافتن شرایط اقلیمی مناسب برای دام، کوچ کنند. هر ایل از چندین طایفه تشکیل می‌شد و نسب و خانواده در آن اهمیت فراوانی داشت. ایلات در عمل کاملاً خودگردان و مستقل بودند، به بیان یکی از مقامات انگلیسی، شاه در حرف می‌توانست ایل‌خان قشقایی را منصوب کند، اما دایره انتخاب او محدود به خانواده‌های سرشناس و همچنین وابسته به نظر مساعد این خانواده‌ها در مورد خان بود.

یکی از این خانواده‌ها، ایل قاجار بود. ایل قاجار مانند سایر ایل‌ها و عشایر بزرگ ایران، یکی از عوامل موثر در تحولات سیاسی و اجتماعی ایران به شمار می‌آید. به هنگام تشکیل سلسله صفوی توسط شاه اسماعیل، ایل قاجار در شمار ایل‌هایی بود که به یاری او پرداخت و بعدها در جرگه‌ی قزلباش‌ها درآمد. پس از سقوط حکومت صفوی، نادرشاه افشار میانه‌ی خوبی با قاجاریان نداشت. زیرا آنان مدافع حکومت قبلی یعنی حکومت صفوی بودند. پس از مرگ نادرشاه قاجارها مانند دیگر ایلات کوشیدند قدرت را در ایران به دست بگیرند. اما رهبر قاجارها یعنی محمدحسن خان جان خود را بر سر دستیابی به قدرت از دست داد و فرزندش آقامحمدخان به اسارت کریم‌خان زند درآمد و حکومت به خاندان زند منتقل شد.

با مرگ کریمخان زند، آقامحمدخان از دربار او گریخت، و سرانجام با غلبه بر لطفعلی‌خان، آخرین فرمانروای زند، حکومت کشور را به دست گرفت. به این ترتیب آقامحمدخان توانست سلسله‌ی قاجار را در ایران بنیاد نهد. وی تهران را که در آن زمان روستایی در حومه‌ی ری به پایتختی برگزید.

آقامحمدخان؛ تثبیت قدرت

ایل قاجار در واقع به تدریج کشور را به تسخیر خود درآورد و در سال ۱۱۶۵ هجری شمسی تهران به به پایتختی برگزید و تقریباً یک قرن بر ایران حکومت کرد. حاکمیت قاجار در پایتخت به واسطه وزرا، درباریان، میرزاها، و اشراف اعمال می شد که القابی چون «السلطنه»، «الدوله» و «الممالک» داشتند؛ القابی که همچون دارایی اشخاص، قابل خرید و فروش بود. شاهان قاجار اما بر سایر مناطق کشور با استفاده از اعیان محلی، خانها، اربابان، تجار و مجتهدین حکومت می کردند. در تمامی دوره ها، پادشاهان قاجار عملاً هیچ نهاد حکومتی به معنای واقعی نداشتند و برای اداره امور رعایا (مردم عادی)، فقط به افراد بانفوذ محلی در شهرها و مناطق مختلف کشور متکی بودند. وزارتخانه ها صرفاً اسم هایی روی کاغذ بودند و وجود خارجی نداشتند یکی از مهم ترین چالش هایی که آقامحمدخان را در مدت سلطنتش درگیر خود کرد، درگیری با امپراتوری های همسایه بود. او با این هدف که سرزمین های از دست رفته را دوباره به ایران برگرداند، وارد جنگ با روس ها شد. وی برای اعمال حاکمیت دوباره بر ایالت های شروان و گرجستان که در دوران زند به زیر سلطه روس ها رفته بودند، دست به تلاش هایی زد. یکی از موفقیت های وی، بازپس گیری شهر تفلیس از دست روس ها بود، اما بعداً در لشکرکشی قفقاز توسط عده ای از همراهانش به قتل رسید.

فتحعلی شاه؛

قتل آقامحمدخان در قفقاز موجب هرج و مرج در نیروی نظامی ایران شد. فتحعلی شاه برادرزاده ای او در شرایطی به سلطنت رسید که روسیه با حمله های پی در پی، ابتدا گرجستان و سپس ایالت های دیگر را مورد تاخت و تاز قرار داد و باعث بروز دوره ای اول جنگ های ایران و روس شد. این جنگ ها ۹ سال به درازا کشید و ایرانیان را با ناتوانی و ضعف خود و همچنین عدم کفایت دولت مرکزی برای مواجهه با یک نیروی مهاجم خارجی، روبه رو ساخت. نتیجه ی جنگ های اول ایران و روس عهدنامه ی گلستان بود. طبق عهدنامه ی گلستان:

- ایران حاکمیت روسیه را بر ولایت هایی که تا آن زمان اشغال کرده بود به رسمیت شناخت.
- حق کشتی رانی در دریای خزر از ایران سلب گردید.
- در مقابل، روسیه نیابت سلطنت عباس میرزا را در ایران به رسمیت شناخت.

بدرفتاری روس‌ها با ساکنان ولایت‌هایی که طبق معاهده‌ی گلستان به آن کشور واگذار شده بود، موجب نارضایتی این مردم شد، و آنان شروع به دادخواهی کردند. از سوی دیگر معاهده‌ی گلستان در مورد تعیین خط‌های مرزی بین ایران و روسیه مبهم بود. همین مسأله نیز موجب دست‌درازی روس‌ها به خاک ایران، از جمله اراضی اطراف ایروان و آذربایجان شد.

این عوامل سبب بروز جنگ‌های دوم ایران و روس شد؛ با اینکه عباس میرزا موفق شد مناطق بسیاری را از دست دشمن آزاد کند، خیانت دولت انگلستان و بی‌کفایتی دربار ایران، سرنوشت جنگ را به نفع دولت روسیه تزاری رقم زد. این دوره از جنگ‌ها با بسته شدن قرارداد ننگین دیگری به نام ترکمانچای خاتمه یافت. طبق عهدنامه ترکمانچای:

- ایروان، نخجوان و بخشی از دشت مغان نیز از ایران جدا شد و به روسیه تعلق گرفت.
- ایران متعهد به پرداخت پنج میلیون تومان غرامت به روسیه شد.
- برقراری حق کاپیتولاسیون^۱ یا قضاوت کنسولی بر ایران تحمیل گردید.



قلمرو ایران در اوایل قاجاریه

^۱ به موجب این حق هر گاه اتباع روی مقیم ایران مرتکب جرمی می‌شدند دادگاه‌های ایران حق رسیدگی نداشتند، بلکه مراجع قضایی دولت روسیه می‌بایست به آن جرم رسیدگی می‌کردند.

برای فهم بهتر دلایل وقوع این جنگ‌ها و ختم شدن آن به این عهدنامه‌ها که همگی به ضرر ایران بوده است، نمی‌توانیم صرفاً به بی‌کفایتی شاه قاجار و ناتوانی سپاهیان بسنده کنیم و لازم است شرایط بیرونی و درگیری‌های دیگر در منطقه را نیز در نظر بگیریم. با شروع کشورگشایی‌های انگلستان و شروع استعمار، هندوستان که در همسایگی جنوب شرقی ایران قرار داشت، به یکی از مهم‌ترین مستعمره‌های انگلستان تبدیل شد. هندوستان، سرزمینی پهناور با ذخایری سرشار، موضوع رقابت سایر کشورهای اروپایی همچون فرانسه نیز بود و منجر به قراردادهای درگیری‌هایی میان دولت‌های روس، انگلیس و فرانسه شده بود. به هر صورت همه‌ی این قدرت‌ها، ایران را همچون منطقه‌ی عبور برای رسیدن به هندوستان می‌دیدند یا حتی چشم‌امید داشتند که این سرزمین را نیز به هندوستان پیوند زده و از منابع آن بهره‌برند. در واقع بی‌تدبیری شاه قاجار مصادف شد با دوره‌ی کشورگشایی و رقابت بر سر منابع جهان از سوی کشورهای اروپایی.

در مورد مسأله‌ای که برای هرات پیش آمد، می‌توان استراتژیک بودن این منطقه و همچنین رقابت بر سر آن را بهتر فهمید. شهر هرات دروازه هندوستان بود و در آن زمان جزء ایران بود. اما حکمران آنجا، کامران‌میرزا، با تحریک انگلیس‌ها علیه حکومت مرکزی ایران شورش کرده بود، و حتی گاهی به مناطق دیگر ایران دست‌اندازی می‌کرد.

پس از پایان جگ‌های ایران و روسیه، فتح‌علی‌شاه برای جبران ناکامی‌های خود متوجه شرق ایران و بازپس‌گیری هرات شد. فتح‌علی‌شاه، ولیعهد خود، عباس‌میرزا را به سوی هرات روانه کرد. ولی او قبل از انجام مأموریت فوت کرد و فتح‌علی‌شاه نیز پس از زمان کوتاهی درگذشت. روس‌ها نیز ایران را در حمله به هرات تشویق می‌کردند زیرا از سویی با انگلستان رقابت داشتند، و به خطر افتادن مستعمره‌های انگلیس در هند را به مصلحت خود می‌دانستند، و از سوی دیگر مشغول شدن ایران در جنگ هرات را مایه‌ی فراموشی ایالت‌های از دست‌رفته‌ی شمالی توسط دولت ایران می‌دانستند.

محمدشاه

پس از مرگ فتح‌علی‌شاه، محمدمیرزا (فرزند عباس‌میرزا) به پادشاهی رسید. محمدشاه پس از سرکوب مدعیان سلطنت، در فکر نافرمانی‌های کامران‌میرزا حاکم هرات بود و برای جلوگیری از اقدام به محاصره هرات کرد. انگلستان به کمک عاملان خود در دربار ایران، تلاش زیادی کرد که ایران را از حمله به هرات بازدارد. در نهایت در راستای عملی کردن خواسته‌ی خود، انگلیسی‌ها با پیش‌روی در خلیج فارس، جزیره خارک را اشغال کردند و تهدید کردند که در صورت ادامه محاصره هرات، به پیش‌روی خود در خاک ایران ادامه خواهند داد. محمدشاه که توان رویارویی با انگلیسی‌ها را در خود نمی‌دید و از جانب روس‌ها هم، حمایت عملی دریافت نکرده بود، دست از محاصره هرات برداشت.

ناصرالدین شاه

پس از مرگ محمدشاه، پسرش ناصرالدین میرزا فرزند شانزده ساله اش به سلطنت رسید. ناصرالدین شاه، چهارمین پادشاه قاجار، پنجاه سال بر ایران سلطنت کرد. همزمان با دوره ی او موجی از تغییرات در جامعه ی ایران آغاز شد که نتایج عینی و ملموس آن در دوره شاه بعدی و از طریق جنبش مشروطه به بار نشست.

○ صدارت امیرکبیر:

موجی از تغییرات توسط امیرکبیر آغاز شد. ناصرالدین شاه امیرکبیر را به عنوان صدراعظم خود انتخاب کرد؛ انتخابی که منجر شد به مجموعه ای از تلاش های این صدراعظم برای حفظ تمامیت ارضی و مبارزه با دخالت بیگانگان. امیرکبیر در مدت سه سال صدارت اقدام هایی انجام داد که بعضی از موارد آن را در ادامه می خوانید:

۱- لغو لقب های طولانی و بی معنی

۲- منع رشوه خواری، و برقراری حقوق ثابت برای مأموران دولت

۳- فرستادن شاگردانی به اروپا، برای کسب مهارت ها و دانش های جدید

۴- استخدام معلمان و استادان خارجی، به ویژه از کشورهای غیر از انگلیس و روس

۵- ترجمه تاب، نشر روزنامه

۶- تأسیس مدرسه عالی در تهران و ارائه ی طرح مدرسه ی دارالفنون؛ که پس از برکناری او شروع به کار کرد.

۷- جلوگیری از دخالت نمایندگان خارجی در امور داخلی ایران

۸- تقویت ارتش ملی کشور

قتل امیرکبیر

○ آشنایی تدریجی گروهی از ایرانیان با پیشرفت های اروپاییان:

در دوران ناصرالدین شاه و به واسطه صدارت امیرکبیر، گروهی از جوانان ایرانی برای تحصیل و علم آموزی به خارج از ایران اعزام شدند. البته این ایده از زمانی آغاز شد که عباس میرزا در مواجهه با نیروهای اروپایی و روس به این دیدگاه دست یافت که اداره ی کشور نیاز به افرادی متخصص و کارآزموده دارد. اگرچه او این راه را شروع کرد و چندین نفر را به اروپا فرستاد، اما مجالی برای گسترش این ایده نداشت؛ بعدها امیرکبیر این مسیر را جدی تر ادامه داد و هر سال تعدادی دانشجو برای تحصیل در رشته های مورد نیاز کشور را به اروپا فرستاد. با شروع این حرکت، راه ارتباطی تازه ای با غرب به وجود آمد که هم جریان علم و مهارت و هم جریان اندیشه های اجتماعی و سیاسی را به داخل ایران منتقل کرد.

به طور کلی تأسیس دارالفنون، تحصیل برخی دانشجویان در خارج از ایران و ورود علوم جدید به مرور تغییراتی را در تفکر گروهی از ایرانیان به وجود آورد که با شکل گیری انجمن ها و راه اندازی روزنامه ها قوت گرفت و جریان آگاهی بخشی به عموم مردم نیز آغاز شد.

○ واگذاری امتیازات اقتصادی به بیگانگان:

دولت قاجار به تدریج تلاش می کرد تا وابستگی خود به دولت های بیگانه را کاهش دهد، اما چندین مسأله باعث شد این اقدام در نهایت موفقیت آمیز نباشد. ناصرالدین شاه پس از اولین سفر خود به اروپا با جهان شگفت آوری روبه رو شده بود و اشتیاقش به سفرهای دوباره افزایش یافته بود؛ این سفرهای دسته جمعی شاه و دربارش علاوه بر هزینه ی زیادی که به خزانه ی کشور تحمیل می کرد؛ عملاً اداره ی امور مهم را به حالت تعلیق درمی آورد و اراده ی جدی برای بهبود وضعیت باقی نمی گذاشت.

از طرف دیگر قیمت کالاهایی که از روسیه وارد ایران می شد، به دلیل مشکلات داخلی روس ها، در عرض مدت کوتاهی ۶ برابر شد و موجی از تورم را در کالاهای اساسی مثل نان و قند و شکر به وجود آورد. دولت قاجار به دولتی ورشکسته تبدیل شد، با بدهی هایی عظیم.

در همین موقعیت، کشورهای اروپایی که در اثر انقلاب صنعتی به رشد و شکوفایی اقتصادی رسیده بودند، به بازارهای مصرف و مواد اولیه ارزان قیمت نیاز داشتند. بنابراین دولت های استعماری روزبه روز بر نفوذ خود در کشورهای دیگر می افزودند؛ در همین بین بحران های مالی ایران، فرصتی ویژه برای دولت های خارجی فراهم کرده بود. آن ها پیشنهادهایی را برای حل مشکل مالی دولت قاجار ارائه دادند؛ یعنی اینکه در ازای پرداخت پول، امتیازاتی را از دولت دریافت کنند. دو مورد از این امتیازات را مرور می کنیم:

۱- امتیاز رویتزر:

این امتیاز در زمان ناصرالدین شاه به شخصی به نام رویتزر واگذار شد. به موجب قرارداد رویتزر، حق احداث راه آهن و تراموا و بهره برداری از کلیه معادن و منابع ایران و بهره برداری از جنگل ها و احداث قنات ها و کنال های آبیاری به مدت هفتاد سال و اداره گمرک ها و حق صدور همه نوع محصولات انگلیسی به ایران به مدت ۲۵ سال به رویتزر واگذار شد. در مقابل رویتزر تنها مبلغ دویست هزار لیبره برای تأمین هزینه های سفر ناصرالدین شاه به اروپا به صورت وام پرداخت کرد. واگذاری امتیاز رویتزر اعتراض و مخالفت مردم و علما را برانگیخت، چرا که در صورت اجرای آن امتیاز، زمینه ی سلطه کامل انگلستان بر ایران همچون هند فراهم آمد. روس ها نیز از منافع سرشاری که این قرارداد برای رقیب آن ها داشت، ناراضی بودند و خواستار لغو آن شدند. سرانجام ناصرالدین شاه مجبور به لغو امتیاز شد.

یکی از امتیازاتی که در دوره‌ی قاجار به دولت استعماری انگلیس واگذار شد، انحصار خرید و فروش توتون و تنباکو در داخل و خارج ایران به مدت پنجاه سال بود که به یک انگلیسی به نام «تالبوت» داده شد. از این رو، این قرارداد به قرارداد تالبوت مشهور شده است. این امتیاز به قیمتی ناچیز واگذار شده بود.

مردم ایران که می‌دیدند محصول توتون و تنباکوی خود را باید به بهای کمی به بیگانه بفروشند و برای مصارف داخلی دوباره آن را به قیمت گزافی بخرند، شروع به قیام و اعتراض نسبت به این قرارداد کردند. این مخالفت در شهرهایی مانند تبریز، شیراز، اصفهان و تهران به اوج خود رسید. علماً خطر سلطه‌ی استعمار انگلیس را به مردم گوشزد کردند. در نهایت حکم میرزای شیرازی، که مجتهدی بزرگ و صاحب نفوذ بود، نهضتی بزرگ در ایران پدید آورد و ناصرالدین شاه ناچار به لغو این امتیاز شد. این اعتراض همگانی، از اولین حرکت‌های اجتماعی مردم در مخالفت با تصمیم دولت در تاریخ معاصر ایران محسوب می‌شود.

نکته‌ی مهم این است که اگرچه این امتیازها لغو شد، زمینه برای واگذاری برخی امتیازهای دیگر فراهم شد؛ امتیازهایی که در بلندمدت اهمیتی قابل توجه داشتند، از جمله امتیاز حفاری نفت، امتیاز تأسیس بانک با اختیار چاپ اسکناس و امتیاز ساخت جاده و تلگراف در جنوب.

ناصرالدین شاه سرانجام پس از ۵۰ سال سلطنت مستبدانه، در سالگرد تاجگذاری خود به تیر گلوله به قتل رسید. مظفرالدین میرزا فرزند و ولیعهد او برای آغاز سلطنت از تبریز عازم تهران شد.

مظفرالدین شاه

در اواخر دوره‌ی سلطنت ناصرالدین شاه، مردم رفته‌رفته اعتراض خود نسبت به حکومت قاجار را آشکار کردند. ترور ناصرالدین شاه، نمونه‌ی همین نارضایتی عمومی بود. ناصرالدین شاه در پنجاه سال سلطنت خود با شیوه‌ای استبدادی فرصتی برای ابراز نظر مخالفان باقی نگذاشته بود. جانشین او مظفرالدین شاه، فردی نسبتاً سالخورده و بیمار بود و توانایی سروسامان دادن به امور کشور را نداشت. او عین‌الدوله را که فردی مستبد بود به عنوان صدراعظم انتخاب کرد و اداره مملکت را به او سپرد. مهم‌ترین اتفاق در این دوران آغاز نهضت مشروطه است؛ شاید یکی از مهم‌ترین اتفاقاتی که در تاریخ معاصر آن، نیاز است زمینه‌ها، علل و پیامدهای آن را درک کنیم. ابتدا زمینه‌های تدریجی و بلندمدت نهضت مشروطه را بررسی می‌کنیم:

۱- از دست رفتن بخش‌هایی از سرزمین ایران

یکی از دلایل نارضایتی مردم از حکومت قاجار، از دست رفتن سرزمین‌هایی بود که به وسیله‌ی دولت‌های استعمارگر روس و انگلیس از ایران جدا شده بودند

۲- غلبه استعمار بر مملکت

کشورهای استعمارگر اروپایی از قرن شانزدهم میلادی شروع به اشغال سرزمین‌هایی در آسیا، آفریقا، و قاره آمریکا کردند و تا اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم کشورهای متعددی را زیر سلطه‌ی خود درآوردند. ایران نیز به دلایل موقعیت ویژه‌ی جغرافیایی و برخورداری از منابع سرشار مواد اولیه، مورد توجه کشورهای استعمارگر قرار گرفت.

ضعف حکومت قاجار و طمع‌ورزی و فساد مالی درباریان، زمینه‌ی سلطه‌ی بیگانگان بر مملکت را فراهم کرده بود. بارزترین نتیجه‌ی این وضعیت، امتیازهای متعددی بود که به خارجی‌ان داده می‌شد. علاوه بر آن قرض‌هایی که شاهان قاجار از کشورهای بیگانه می‌گرفتند، موجب سلطه‌ی بیشتر استعمارگران بر مملکت شد.

۳- استبداد دستگاه حاکم

حکومت قاجار بر بنیاد استبداد مطلق بود و قدرت در دست شاه و اراده او متمرکز بود. حاکمان ایالت‌ها از میان شاهزادگان انتخاب می‌شدند و ر منطقه خود مانند یک شاه عمل می‌کردند. روش انتصاب حاکمان ایالت‌ها به این طریق بود که این ایالت‌ها در ازای دریافت مالیات‌های سنگین ثابت سالیانه به طور کامل در اختیار شاهزادگان قرار می‌گرفتند. این نوع واگذاری شبیه به فروش ایالت‌ها بود؛ بدین گونه فشار مالیاتی کمرشکنی بر مردم تحمیل می‌شد.

۴- شدت گرفتن جریان انتقاد و آگاهی‌بخشی؛ ورود اندیشه‌های جدید

عصری که در آن شاهان سلسله قاجار با خودکامگی بر مردم حکومت می‌کردند، دوران تحول‌های فکری و آزادی‌خواهی در قسمت‌هایی از جهان بود، و در تعدادی از کشورها، حکومت «مشروطه» برقرار شده بود. ایرانیان نیز به طور مستقیم و یا غیرمستقیم تحت تأثیر این نهضت‌ها و رویدادهای فراگیر قرار داشتند.

زمینه‌های ورود تفکر مشروطه‌خواهی به ایران، به شکل‌های مختلف نظیر اعزام دانشجو به خارج، سفرهای درباریان و سیاستمداران به خارج، و مهاجرت برخی از ایرانیان به کشورهای مختلف فراهم شد. دستاورد معاشرت‌ها، مسافرت‌ها و مأموریت‌های مهاجران، دانشجویان، جهان‌گردان و دیپلمات‌های ایرانی که با کشورهای پیشرفته در تناس بودند، از راه انتشار روزنامه‌ها و چاپ کتاب‌ها، و در خلال نامه‌ها و سخنان آنان به جامعه منتقل می‌شد.

الف- روزنامه‌ها

ب- آثار روشنفکران

در شرایطی با چنین زمینه‌هایی، کافی بود تا جرقه‌ای در انبار باروت نارضایتی مردم بیفتد و انقلابی را شعله‌ور سازد. برخی از این جرقه‌ها و حوادث شتاب‌دهنده را بررسی می‌کنیم:

۱- ماجرای نوز بلژیکی

یکی از حوادث شتاب‌دهنده جنبش مشروطیت، ماجرای نوز بلژیکی بود. موسیو نوز بلژیکی، که طبق قرارداد گمرکی ایران و روسیه کارگزار روس‌ها در امور گمرک ایران بود، با لباس روحانیان و در حالی که قلیان دست داشت، عکس گرفت. این عکس در کنار ناراضایتی مردم از وضعیت واگذاری گمرک، واکنش زیادی به وجود آورد

۲- ماجرای بانک استقراضی روس

با وجود مخالفت عمومی، روس‌ها در محل یک قبرستان متروک، ساختمان بانک روسی را بنا نهادند. مردم از این اقدام روس‌ها ناخشنود بودند، بنابراین یک اعتراض عمومی عمومی شکل گرفت، اما روس‌ها با بی‌اعتنایی به کار خود ادامه دادند تا جایی که یک شورش عمومی از سوی مردم، این اقدام را متوقف کرد.

۳- فلک شدن بازرگانان

در دوران قاجاریه برخی از کالاهای مورد نیاز مردم مانند نفت، کبریت و قند از روسیه وارد می‌شد. در اثر جنگ روس و ژاپن نرخ قند افزایش یافت و شعله‌های اعتراض مردم را برافروخت. به دنبال آزار و اذیت بازرگانان در مسجد شاه مجلسی بزرگ برپا شد. این تجمع به تشنج کشیده شد و مأموران به جان مردم افتادند.

۴- مهاجرت صغری

مهاجرت روحانیون و مردم به شهرری و تحصن در صحن حضرت عبدالعظیم به مهاجرت صغری مشهور است. این مهاجرت اولین مرحله‌ی اتحاد نیروهای ضد استبداد بود. هر روز بر عده‌ی این مهاجران افزوده می‌شد. عین‌الدوله برای بازگرداندن علما و مهاجران به هر شیوه که متوسل شد، نتیجه نگرفت. مهم‌ترین آن خواسته‌ها به شرح ذیل بود:

- ایجاد عدالت‌خانه در همه شهرها برای رسیدگی به شکایت‌های مردم و برقراری عدالت در جامعه

- عمل به قانون اسلامی

۵- مهاجرت کبری

هنوز مدت زیادی از بازگشت مهاجران نگذشته بود که معلوم شد عین‌الدوله به آنان وعده دروغین داده و در پی آن است که با ایجاد اختلاف در میان آنان و دستگیری، تبعید و زندانی کردن رهبران قیام، جلوی حرکت‌های انقلابی دیگر را بگیرد. آیت‌الله طباطبایی چند بار به مظفرالدین‌شاه نامه نوشت و خواسته‌های مردم و بی‌اعتنایی عین‌الدوله را به او یادآور شد. اما این نامه‌ها یا به دست شاه نرسید و یا به آن‌ها توجه نکرد. وقتی عین‌الدوله دستور دستگیری و تبعید شیخ محمد واعظ را داد، بین مردم و سربازان درگیری پیش آمد و در نتیجه، چند نفر مجروح شدند و طلبه‌ای به نام سید عبدالحمید، به شهادت رسید. این حادثه خشم مردم را برانگیخت. عین‌الدوله به سخت‌گیری بیشتر پرداخت و تهران حالت حکومت نظامی به خود گرفت. عین‌الدوله از علما خواست که به خانه‌هایشان بروند تا خواسته‌های آنان عملی شود. اما رهبران مردم، پس از بحث و تبادل

نظر تصمیم گرفتند این بار در اعتراض به اقدام‌های دولت، به شهر قم مهاجرت کنند. این مهاجرت که گسترده‌تر از مهاجرت قبل بود، به «مهاجرت کبری» معروف شد.

۶- تحصن در سفارت انگلیس

به موازات مهاجرت عدالت‌خواهان به قم، عده‌ای در باغ سفارت انگلیس گرد آمدند و به بست نشستند. در روایتی آمده است:

پس از تیراندازی، به نظر می‌رسید دولت پیروز شده است. شهر در دست نیروهای نظامی بود. رهبران مردمی مهاجرت کرده بودند. بازارها در اشغال سربازان بود و به نظر می‌رسید هیچ جای امن پناهگاهی وجود ندارد. در چنین اوضاع و احوالی، مشروطه‌خواهان چاره را در توسل به سنت دیرینه بست‌نشینی دیدند. معترضین بعد از اینکه مطمئن شدند در سفارت انگلستان کسی به آن‌ها آسیبی نمی‌رساند، به تدریج در باغ سفارت تحصن کردند تا جایی که تعداد تحصن‌کنندگان به ۱۴ هزار نفر رسید.

پیروزی نهضت و تشکیل مجلس شورای ملی

با اوج‌گیری نهضت، حکومت برای شنیدن خواسته‌های معترضان اعلام آمادگی کرد. مهم‌ترین این خواسته‌ها عبارت بودند از:

۱- برکناری عین‌الدوله از صدارت

۲- فراهم کردن زمینه برای بازگشت مهاجران به تهران

۳- ایجاد عدالت‌خانه

۴- تشکیل دارالشورا (مجلس نمایندگان)

مظفرالدین‌شاه تسلیم خواسته‌های مردم شد. او عین‌الدوله را عزل کرد و فرمان تشکیل مجلس شورای ملی را در ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ صادر کرد. تحصن‌کنندگان، تحصن را رها کردند و به شهر بازگشتند. نظام‌نامه انتخابات نوشته و انتخابات برگزار شد و نمایندگان در اولین دوره‌ی مجلس شورای ملی حاضر شدند. مشروطه‌خواهان به تدوین قانون اساسی پرداختند و آن را به امضای مظفرالدین‌شاه رساندند. شاه ده روز پس از امضای قانون اساسی درگذشت.

محمدعلی شاه

بعد از مظفرالدین شاه، ولیعهد او، محمدعلی میرزا با عنوان محمدعلی شاه به سلطنت رسید. محمدعلی شاه یکی از شاهان خود کامه‌ی دوره‌ی قاجار بود که نمی‌خواست در برابر قانون اساسی و مجلس شورای ملی تمکین کند. او در ۲۸ در ۱۲۸۵ جشن تاج‌گذاری برپا کرد و از اشراف و نمایندگان دولت‌های خارجی برای شرکت در این مراسم دعوت به عمل آورد، اما نمایندگان مجلس شورای ملی را دعوت نکرد. این اولین بی‌اعتنائی محمدعلی شاه به مجلس بود؛ او نمایندگان مجلس را برای دخالت در امور کشور و مشورت در سیاست لایق نمی‌دانست.

پس از این ماجرا، کشمکش محمدعلی شاه با مجلس آغاز شد که سرانجام وی مجلس را به توپ بست. اما این تنها مشکل نظام تازه تولد یافته‌ی مشروطه نبود. بلکه این نظام دشواری‌های اساسی‌تر پیش رو داشت، که به شرح آن می‌پردازیم:

تدوین متمم قانون اساسی و شدت گرفتن اختلاف‌ها

قانونی که در زمان مظفرالدین شاه به نام قانون اساسی تنظیم شد، دارای ضعف‌های زیاد بود و در آن از حقوق و تکالیف دولت نسبت به ملت و بالعکس سخن به میان نیامده بود. بنابراین لازم بود متممی بر آن نوشته و تکمیل می‌شد. حین تدوین قانون اساسی، مشروطه‌خواهان در گیر اختلافات درونی شدند.

خودداری محمدعلی شاه از امضای متمم قانون اساسی

بی‌اعتنائی بعدی محمدعلی شاه نسبت به نظام مشروطه در هنگام امضای متمم قانون اساسی مشروطه رخ داد. هنگامی که متمم قانون اساسی تقدیم او شد، از امضای آن خودداری کرد. نهایتاً به دلیل اعتراضات مردم و تلگراف‌هایی که از شهرهای مختلف به شاه زدند، محمدعلی شاه به ناچار متمم قانون اساسی را امضا کرد.

قرارداد ۱۹۰۷ روس و انگلیس

با وجود رقابت‌های شدیدی که میان روس و انگلیس در ایران وجود داشت، موضوع جدیدی آن‌ها را وادار به رفع اختلاف‌ها و توافق در مورد ایران کرد. این موضوع جدید حضور آلمان به عنوان یک قدرت جدید در صحنه سیاست جهان بود. با در خطر قرار گرفتن مستعمره‌های روس و انگلیس در جاهای دیگر دنیا، توسط استعمارگر جدید یعنی آلمان، آن‌ها اختلاف‌ها را کنار گذاشتند و به موجب قرارداد ۱۹۰۷، ایران را بین خود تقسیم کردند. بر اساس این قرارداد روس و انگلیس ایران را به سه منطقه

تقسیم کردند: منطقه‌ی شمال حوزه‌ی نفوذ روسیه، منطقه‌ی جنوب حوزه‌ی نفوذ انگلیس و قسمت سوم که شامل کویرها و بیابان‌های بی‌آب و علف بود، منطقه‌ی بی‌طرف و متعلق به ایران شناخته شد.

اقدام انقلابی مردم و مجلس

پس از اینکه قرارداد ۱۹۰۷ امضا شد سفیران روس و انگلیس رسماً دولت ایران را از آن قرارداد باخبر کردند. به محض اطلاع مردم، هیجان عمومی علیه این دولت‌ها شکل گرفت و نمایندگان مجلس به اتفاق آرا قرارداد را رد کردند. علاوه بر این‌ها نوز بلژیکی را که پست مهم مالی ایران در دست او بود، اخراج کردند. این اقدام‌ها یا نقلابی برای دولت‌های استعمارگر زنگ خطر بود؛ زیرا در جهت خلاف هدف‌های استعماری آنان جریان داشت. به همین دلیل برای سرکوب مجلس به توافق رسیدند و هنگامی که محمدعلی‌شاه ساختمان مجلس را به توپ بست، روسیه از آن حمایت کرد و انگلیس نیز با سکوت خود به آن رضایت داد.

به توپ بستن مجلس و استبداد صغیر

کشمکش بین محمدعلی‌شاه و مجلس، پس از امضای متمم قانون اساسی همچنان ادامه یافت. نخست‌وزیری که شاه انتخاب کرده بود ترور شد، چندی بعد خود شاه نیز در یکی از خیابان‌های تهران مورد سوءقصد قرار گرفت، ولی آسیبی ندید. شاه این اقدام را به مشروطه‌خواهان نسبت داد و به همین بهانه تصمیم گرفت مجلس را برای همیشه تعطیل کند. بنابراین در تیر ۱۲۸۷ یعنی دو سال پس از استقرار مشروطه، محمدعلی‌شاه با تشویق سفارت روسیه دستور حمله به مجلس شورای ملی را صادر کرد. لیاخوف روسی، فرمانده نیروهای قزاق به فرمان محمدعلی‌شاه با نیروهای خود به مجلس حمله کرد و بخشی از ساختمان مجلس را با گلوله‌های توپ تخریب کرد. بسیاری از مشروطه‌خواهان دستگیر، تعدادی تبعید و حتی برخی از روشنفکران و روزنامه‌نگاران مخفیانه اعدام شدند.

«مقاومت مردم و فتح تهران»

مدتی بعد از تعطیلی مجلس، مردم و مشروطه‌خواهان که مجلس، انتخاب نمایندگان و از بین رفتن قدرت «مطلقه» را تا حدی تجربه کرده بودند، دوباره موجی از اعتراضات را در شهرهای مختلف آغاز کردند. مقاومت مردم در تبریز، فارس، اصفهان و سایر شهرها به مبارزه‌ای سخت با نیروهای شاه منجر شد؛ در نهایت نیروهای مردمی هوادار مشروطه همگی راهی تهران شدند و سرانجام در تیر ۱۲۸۸، یعنی یک سال پس از به توپ بسته شدن مجلس، هواداران مشروطه به تهران رسیدند و با پناهنده شدن محمدعلی‌شاه به سفارت روسیه، حکومت استبدادی او به پایان رسید.

پس از فتح تهران مجلسی فوق العاده، مرکب از سران و رؤسای مجاهدان، شاهزادگان، اعیان و وکلای سابق مجلس شورای ملی تشکیل شد و به اتفاق آراء، محمدعلی شاه از سلطنت خلع و پسر دوازده ساله‌ی او، احمد میرزای ولیعهد، به مقام سلطنت برگزیده شد. چون احمدشاه به سن قانونی نرسیده بود، شاهزاده عضدالملک، بزرگ خاندان قاجار، به عنوان نایب السلطنه انتخاب شد.

احمد شاه

مجلس نوپای مشروطه و مداخله بیگانگان

طبق تصمیم دوره دوم مجلس شورای ملی، عده‌ای کارشناس از آمریکا برای اصلاح اداره دارایی و خزانه‌داری کل، یک فرانسوی برای دادگستری و چند سوئدی برای ژاندارمری استخدام شدند. مورگان شوستر آمریکایی، معروف‌ترین چهره در بین آنان بود که با اختیارهای وسیعی که مجلس به او داد، شروع به انجام اصلاح‌هایی دامنهدار در امور مالی و گمرک‌ها کرد. این اقدام او که سبب منظم شدن دستگاه اقتصادی کشور می‌شد، روس و انگلیس را سخت عصبانی کرد. بنابراین در سال ۱۲۹۰ش، روسیه طی اختطاری به دولت ایران تهدید کرد اگر چهل و هشت ساعت به خواسته‌هایش عمل نشود به اشغال ایران خواهد پرداخت. درخواست‌های روسیه به این شرح بود:

- ۱- اقدام‌های مورگان شوستر متوقف و او از ایران اخراج شود.
 - ۲- بدون موافقت روس و انگلیس، از استخدام اتباع خارجی در ایران خودداری شود.
 - ۳- هزینه نگهداری قوای روسیه در ایران را دولت ایران پرداخت کند.
- با به پایان رسیدن مهلت ۴۸ ساعته، روسیه بلافاصله نیروهای خود را به داخل خاک ایران اعزام کرد. اخطار روسیه بحرانی بزرگ در کشور ایجاد کرد. بین مجلس و دولت، بر سر پذیرفتن یا رد کردن آن، اختلاف افتاد. هیجان عمومی و احساسات مردمی اوج گرفت.
- مجلس اخطار روسیه را رد کرد ولی صمصام السلطنه، نخست‌وزیر، از ترس اشغال پایتخت، تسلیم شد و مجلس شورای ملی را منحل کرد. بدین ترتیب سلطه‌جویی دولت‌های روس و انگلستان و دخالت‌های آن‌ها در اداره‌ی کشور مانع از آن شد تا مجلس نوپای مشروطه بتواند برای سروسامان دادن به اوضاع اداری، مالی و نظامی کشور اقدام موثری انجام دهد. به دنبال این اقدام، انبوه

تظاهرکنندگان مردمی، به خصوص زنان، با شعار «یا مرگ یا استقلال» به مجلس حمله کردند. علمای مذهبی مردم را به مقاومت دعوت کردند.

روس‌ها با استفاده از فرصت به دست آمده، کانون‌های مقاومت تبریز و مشهد را به سختی سرکوب کردند؛ از آذربایجان تا خراسان نیروهای خود را مستقر ساختند و منطقه زیر نفوذشان را طبق قرارداد ۱۹۰۷ اشغال کردند.

در این زمان انگلیس نیز برای اشغال منطقه‌ی زیر نفوذ خود، قوایی از هندوستان وارد جنوب ایران کرد. سرانجام نیز در سال ۱۲۹۱ این دو کشور سلطه‌گر، دولت ایران را مجبور کردند تا سیاست خود را با اصول قرارداد ۱۹۰۷ تطبیق دهند.

تاج‌گذاری احمدشاه

چند روز پس از آنکه احمدشاه قاجار تاجگذاری و مجلس شورای ملی دوره سوم شروع به کار کرد، جنگ جهانی اول در گرفت؛ اما شاه جوان و مجلس جدید نتوانستند ایران را از هجوم بیگانگان در امان نگاه دارند.

جنگ جهانی اول و اعلان بی‌طرفی

در سال ۱۹۱۴م/۱۲۹۳ش جنگ جهانی اول میان دولت‌های فرانسه، انگلستان و روسیه در مقابل آلمان و امپراتوری اتریش-مجارستان آغاز شد. ایران از نظر سیاسی و اقتصادی کشوری بحران‌زده و در اشغال نیروهای بیگانه بود و توان بهره‌برداری از شرایط جنگ را نداشت. دولت ایران اعلان سیاست بی‌طرفی کرد ولی در این کار موفقیتی به دست نیاورد؛ زیرا موقعیت حساس ایران برای نیروهای درگیر جنگ مهم بود.

در این دوران دولت را به ظاهر شاه و مجلس تعیین می‌کردند، ولی در نهایت توافق سفارت‌های روس و انگلیس شرط اصلی انتخاب نخست‌وزیر بود. در اکتبر ۱۹۱۷، حکومت تزاری روسیه در مقابل انقلاب بلشویکی شکست خورد و روس‌ها خروج سربازان خود از ایران را آغاز کردند؛ بنابراین انگلیس یکه‌تاز میدان سیاست ایران شد.